

زنان

پشت

دوربین

نوشته: امینه برکت

ترجمه: خسرو سمیعی



حقیقتی است که سینما، این صنعت رؤیا سازی، پیش از پیش توجه آفرینندگان و خیالپردازان را به خود جلب می کند و به دلیل جذابیت تصویر، هنوز کسانی را که به آن علاقه ای دارند به هیجان می آورد. اما سینما گرچه رؤیاست، شغل هم هست، شغلی که آدمی چه زن باشد و چه مرد، در آن برای ساختن اثری، بی آنکه طبیعت واقعی حاصل کار را بداند، اعمالی انجام می دهد. چون ارزش محصول است که تصمیم می گیرد. در همین جا باید خاطر نشان ساخت که در این صنعت تولیدات زنان اندک است چون سینما مدتهای مدید فقط در اختیار مردان بوده است.

در این صنعتی که مثل بقیه نیست، زن بودن و کارگردان بودن خود نوعی مبارزه جویی است و این به دلیل طبیعت کار، کاری که در آن برای آمادگی داشتن و دردسترس بودن آدمی باید مسایلی را مراعات کند که اغلب با زندگی خصوصی زنان، به دلیل وظایفشان در خانه به عنوان همسر و مادر و در خارج به عنوان مسئول و رهبر ارکستر جور در نمی آید.

علیرغم این خطرات، که پی آمدهای روانی اش کم نیست، زن در سطح کارگردان به این میدان قدم گذاشت و توانست از این راه پیام زنان را به گوش همگان برساند.

تصادفی نیست که نخستین زنی که پشت دوربین قرار گرفت آمریکایی بود، چون در آمریکا است که هنر هفتم صنعت شد و پیش رفت و بعد توانست جهان را تسخیر کند. اما این داده اساسی، حضور زنان را در عرصه سینما تقریباً در همه کشورهایی که تولید سینمایی دارند، هرچند که نمادین باشد، نفی نمی کند. نادر بودند زنانی که شهامت آن را داشتند که پشت دوربین قرار بگیرند. جای زنان بیشتر در جلوی صحنه بود، جایی که زنان دوست داشتند. شاید هنوز هم دوست داشته باشند. که در آنجا باشند و روزی به ستاره بزرگی تبدیل شوند. زنانی که پشت دوربین را برگزیدند اغلب از روی

حضوری تقریباً درست دارد، البته با فراز و نشیب هایی چند. دیگر کشورهای عربی هنوز در جستجوی راهی واقعی هستند و تاکنون نتوانسته اند خود را از مشکلاتی که راه شکوفایی تولیداتشان را سد می کند برهانند، مثل مشکل پخش. این وضعیت در کشورهای افریقایی نیز مشاهده می شود، البته با مسایلی غامض تر به دلیل بحران های اجتماعی - اقتصادی که در این بخش از جهان وجود دارد.

در این فضایی که چندان مناسب گسترش هنر نیست می کوشیم تا موقعیت زن کارگردان را ترسیم کنیم و از حضورش بگوییم و از عواملی که یاریش دادند تا در این تجربه پا بگذارند. تجربه ای که او را در کنار همکارانی قرار می دهد که اساتید این رشته هستند. و حال او باید تصویر دیگری از زن ارائه دهد، تصویری متفاوت با تصویر هنرپیشه که اغلب به زد و بند و نیز انواع تقاضاها اتکا داشت. زن علیه این تصویری که از او در رسانه های سمعی بصری به وجود آوردند سر به شورش برداشت و خواست تصویر واقعی زنی را که جامعه نقشی تقریباً مهم بر عهده دارد بازسازی کند یا منعکس سازد.

در این لحظه شاهد هجوم زنان به سوی دوربین هستیم، نه فقط در استودیوهای هالیوود، بلکه همچنین در بقیه نقاط جهان و نیز کشورهای عربی و افریقایی. آیا در آغاز به وجود آمدن گروه فشار زنان هستیم؟ مسئله در این نیست.

در مقاله حاضر سعی بر آن است که به سینماهایی پرداخته شود که به فیلم های زنان امکان گسترش دادند، چه در ممالک عربی و چه در قاره افریقا و سپس به کنفرانس هایی می پردازیم که اگر نتوانستند ارزش واقعی مسئله را نشان دهند لاقلاً آن را به بحث نهادند.

۱- جهان عرب: مبارزه جویی کارگردان زن بودن

سینمای مصر صدمین سال به وجود آمدنش را به تازگی جشن گرفت. به زبان دیگر سینمای مصر همسن سینماست. نخستین زنان کارگردان این مملکت به

همدلی مبارز نامیده می شوند. چون برای تحمیل حضور خود در عرصه سینما ناگزیرند به تلاشی فوق العاده دست بزنند. هم عشق خود را به سینما بنمایانند و هم قابلیت های خود را نشان دهند.

با مطرح ساختن سینمای عرب، به خصوص سینمای مصر است که مطرح می شود چون در این کشور است که هنر هفتم، به نسبت دیگر کشورهای عربی،

محض آنکه صدا به تصویر پیوست، یعنی در زمان احتضار سینمای صامت به سینما پیوستند، حدود سال ۱۹۳۲.

در آن زمان سه هنرپیشه بزرگ مصری تصمیم گرفتند تا فیلم‌های خود را خودکارگردانی کنند. عزیزه امیر (توبه کن)، بهیجه حافظ (قربانیان) و فاطمه رشدی (ازدواج). در این تصمیم مسئله مالی دخالت نداشت. بیشتر نیازی بود به بهبود بخشیدن و نوسازی کار کارگردانی که تا آن زمان توسط کسانی انجام می‌شد که کوچکترین تعلیم هنری ندیده بودند. باید همچنین خاطر نشان ساخت که فیلم‌های این سه زن نه موفقیت هنری کسب کرد و نه مورد پسند عامه مردم قرار گرفت. در نتیجه آنان تجربه خود را تکرار نکردند، البته بجز بهیجه حافظ که فیلم دیگری هم به نام لایلا، دختر صحرا ساخت.

۱-۱. مصر

واقعی است که انستیتوی سینمایی قاهره نقش عمده‌ای در تعلیم زنان کارگردان داشته است. بسیاری از زنانی که رشته کارگردانی را برگزیدند. اما بیشتر آنان به مستند سازی روی آوردند و در این رشته درخشیدند.

در سال ۱۹۶۱ سعیده قائم عصر تولید سینمای زنان را با کارگردانی چندین فیلم مستند آغاز کرد. خانم قائم که با تکنیک‌های سمعی بصری در انگلستان آشنا شده بود حدود پانزده فیلم مستند ساخت: دنیای معادن (۱۹۶۱)، کوه موسی (۱۹۶۲)، بین دریا و کوهستان (۱۹۶۲)، گرامی‌تر از زندگی (۱۹۷۴)، این بانوی بزرگ سمعی بصری مصر نخستین زنی بود که از آغاز با تلویزیون همکاری کرد و در انستیتوی تلویزیون مصر مقام‌های متعددی را عهده‌دار شد. اما از ۱۹۸۲ منحصرأ به فیلم مستند می‌پردازد.

در دهه ۱۹۷۰ شاهد هجوم زنان به این نوع سینما هستیم، زنانی چون عطیه الابنودی Attiyat Al-Abnoudi که کار هنریش را با بازیگری و کارگردانی تأثر

آنها با نام آنها که می‌فروشد و آنها که می‌خرند (۱۹۹۲) نام برد که به زندگی روستائیان ساکن کرانه‌های کانال سوئز می‌پردازد. فیلم مستندش به نام اتاق شماره ۱۳ لحظات آخر شاعر بزرگ مصر عمل دنکال Amal Denkal را تصویر می‌کند. این فیلم ستایش عظیم منتقدان را به دنبال داشت.

نبییه لطفی Nabihah Lotfi در سال ۱۹۳۷ در سعیده (لبنان) به دنیا آمد و در ۱۹۶۴ دیپلمه انستیتوی عالی سینمایی قاهره گردید. این فیلمساز حدود ده مستند ساخت؛ مثل: هزار سال قاهره (۱۹۶۹)، تل زعتر (۱۹۷۵)، عروسک من (۱۹۸۳)، حسن و پرنده (۱۹۸۹)، به سوی کجا؟ (۱۹۹۱). این فیلمساز در به وجود آوردن اتحادیه زنان کارگردان مصر در ۱۹۹۰ نقش مؤثری داشته است.

مجده زکی از ۱۹۷۱ به فیلمسازی پرداخت. فیلم‌هایش از بینش جهانی برخوردارند که باعث می‌شود تا مضامین اش مسایل محلی را تعالی بخشند، مثل سنت خالکوبی یا نقاشی کودکان. همین مسئله باعث شد تا آثارش در خارج از مصر و جهان عرب نیز خواستار داشته باشد.

لیلا ابوسیف پس از اتمام تحصیلات در آمریکا نخست به کارگردانی تأثر پرداخت و سپس به سینما آمد. از نخستین فیلم‌هایش می‌توان از فیلمی درباره قوانین موقعیت فردی یاد کرد که در ۱۹۷۸ ساخته شد، مضمونی که در آن زمان بسیار مورد توجه مردم و دولت مصر قرار داشت. سیهام عبدالمونیم در ساخت فیلم‌های کارتونی تخصص یافت. از فیلمش به نام اعداد که در فستیوال فیلم‌های کوتاه مصر در ۱۹۸۰ جایزه برد به عنوان یکی از مؤثرترین فیلم‌های آموزشی کودکان یاد می‌شود، چون برای آموزش از تصاویر کارتونی و آواز سود جسته است.

فریال کامل کارگردان مرکز ملی فیلم‌های مستند نیز به جهان کودکان توجه دارد. نخستین تجربه‌اش در کارگردانی به سال ۱۹۶۸ برمی‌گردد، اما نخستین فیلم



آغاز کرد. او در ۱۹۷۱ به انگلستان رفت و به تحصیل سینما پرداخت. عطیه امروز جزو برجسته‌ترین کارگردانان زن جهان عرب محسوب می‌شود. این هنرمند با استعداد با فیلم‌های غافلگیر کننده‌اش درباره محیط‌های روستایی مصر به شهرت رسید و بسیاری از فیلم‌هایش در فستیوال‌های بین‌المللی جایزه بردند. از میان فیلم‌هایش می‌توان از یکی از آخرین

○ زنان یوست داشتند که
جلوی صحنه باشند و به
ستاره ای بزرگ تبدیل شوند.

می یابد. در میان حرفه ای های سمعی
بصری باید از انعام محمدعلی نام برد
که در ساختن فیلم های تلویزیونی و
مجموعه های نمایشی تخصص دارد.
آخرین کارش جاده ایلات^۱ مورد توجه
ناقدان قرار گرفت.

پیش از آنکه این کشور را ترک کنیم
باید از ساندرا نشأت، کارگردانی جوان
که جایی چشمگیر در سینما یافته است نیز
یاد کنیم.

جنگ داخلی لبنان عمیقاً بر سینمای
این کشور تأثیر نهاده است، لااقل در طول
دوران مبارزات مذهبی در سالهای بین
۱۹۸۹-۱۹۷۵. در این پانزده سال زنانی
لبنانی که همچون ژوسلین صائاب
Jocelyne Saab از سینما به عنوان
وسیله بیان استفاده کردند زیادند. این
کارگردان فعال که حضور محسوسی دارد
فعلاً در فرانسه زندگی می کند. او چندین
فیلم ساخته است، هم داستانی و هم
مستند.

ژوسلین صائاب در ۱۹۷۳ در شبکه
تلویزیون فرانسه (FR3) به عنوان
خبرنگار به کار پرداخت. سپس به تهیه و
کارگردانی فیلم های مستند روی آورد که
در شبکه های اروپا پخش شدند، مثل
مستندی درباره خودکشی کماندوها در
۱۹۷۴. این کارگردان فیلم مستندی به نام
زنان فلسطینی می سازد که درباره
فراگیری فنون نظامی زنان مبارز فلسطینی
در کشورهای لبنان و سوریه است.
نخستین فیلم بلند مستندش لبنان
مضیبت زده که در ۱۹۷۵ ساخته شد به
ریشه مسایل لبنان می پردازد، به نخستین
درگیری های خونین مذهبی مسلمانان و
مسیحیان. این فیلم در طبقه مستند تاریخی
جای گرفت و چندین جایزه برد، از جمله
جایزه نقد عرب در ۱۹۷۶. بین فیلم هایش
باید از بچه های جنگ (۱۹۹۴)، روزی
روزگاری در بیروت نیز نام برد. این فیلم
هم به عنوان مستند تاریخی طبقه بندی شد
اما پیش از نمایش عمومی قیچی سانسور
را تحمل کرد. راندا شاهال که اصولاً
خبرنگار است با مستند کوتاهی به نام گام
به گام در ۱۹۷۹ وارد سینما شد. سپس



عنوان دستیار کارگردان در چندین فیلم
کار کرد و پنج فیلم مستند نیز ساخت، اما
با نخستین فیلم بلندش به شهرت رسید،
چون این فیلم که گدایان و
مغروران (۱۹۹۱) نام دارد چندین بار
جایزه برد. فیلم به داستانی پلیسی در
جنگ دوم جهانی می پردازد. در این فیلم
مأمور تحقیقات با حاشیه نشینان جامعه
پیوند می خورد و مسیر زندگی تغییر

مستندش را در ۱۹۷۹ ساخت. از او فیلم
مستندی درباره کامل کیلانی، پیشگام
ادبیات کودکان در مصر، در دست است.

فریده ارمان از ۱۹۶۰، یعنی از آغاز
کار تلویزیون در مصر، در تلویزیون به
کارگردانی پرداخت. او پس از مدتی کار
به عنوان دستیار تولید برنامه های وارته به
آماده سازی برنامه و معرفی آنها دست زد.
از ۱۹۷۰ کارگردانی سینما را آغاز کرد و
فیلمهای وارته و مستند ساخت. در
۱۹۷۵ با فیلمی به نام رقص های مصر
جایزه فستیوال فیلم های کوتاه و مستند
مصر را ربود. خانم ارمان به خاطر
فیلم هایش درباره مساجد و محلات
قدیمی شهرهای مصر نیز شهرت دارد.

مبارزان دیگر این هنر نیز به این موج
طبیعی پیوستند و فهرست نام کارگردانان
زن را غنی ساختند ولی همه اینان در یک
مورد وجه اشتراک دارند و آن ساختن فیلم
کوتاه و مستند است.

بعضی از زنان کارگردان که تعدادشان
زیاد نیست، به فیلم های بلند روی آوردند
و در این میدان درخشیدند. مثل نادیا
حمزه، زکیه علوی، نادیا سالم،
عصمه البکری، اما فعال ترین و
مشهورترینشان بی شک انیس دقیدی
Ines Dghidi است. حضور این فیلمساز
همیشه در صحنه محسوس است و به خاطر
انتخاب شجاعانه مضامین اش شهرت
دارد. به عنوان نمونه از فیلم بدن ارزان
یاد می کنیم که فیلمی است درباره بهره
برداری از دختران جوان خانواده های فقیر
مصر که ناگزیرند تا به ازدواج با بچه
پولدارهای شبه جزیره عربستان تن در دهند
و مصایبشان را پس از طلاق نشان
می دهد. اینان اغلب بچه هایی دارند که
پدرانشان حاضر به قبولشان نیستند. این
فیلم انتقادهای زیادی را باعث شد چون
نقایص قانون را فاش می سازد.

نادیا حمزه هم به خاطر مضامین
فمینیستی (طرفداری از حقوق زن)، که
در بسیاری از فیلم های داستانی خود از
آنها سود جسته است شهرت دارد.
عصمه البکری فارغ التحصیل ادبیات
دانشکده اسکندریه است. او نخست به

چندین فیلم مستند دیگر هم ساخت، از جمله لبنان گذشته که در ۱۹۸۰ جایزه هیئت داوران روزهای سینمایی کارتاژ (تونس) را بود.

رانداه شاهان در تریپولی (لبنان) در ۱۹۳۵ به دنیا آمد، در دانشگاه ونسن و سپس مدرسه عالی ملی لویی لومیر پاریس به تحصیل سینما پرداخت. در ۱۹۹۱ نخستین فیلم بلند داستانی اش را به نام اکران شنی ساخت و جنگ‌های غیر محتاطانه ما که در ۱۹۹۵ ساخته شد آخرین فیلم این بانوی کارگردان محسوب می‌شود.

۱-۲-۲- جوانانی که مطرح می‌شوند: سومین بنیال سینمای عرب که تابستان گذشته در پاریس برگزار شد نامهای دیگری را مطرح ساخت، نه فقط از کشور لبنان، بلکه از همه کشورهای جهان عرب. از میان فیلمسازان جدید لبنان می‌توان نامهای زیر را برشمرد:

رولا راغب که در ۱۹۷۲ به دنیا آمد، از انستیتوی تحقیقات سمعی بصری بیروت در ۱۹۹۳ و از FEMIS پاریس در ۱۹۹۵ فارغ التحصیل شد. این هنرمند جوان که کار خود را در سینما با ساختن فیلم‌های تبلیغاتی آغاز کرد فیلم کوتاهی دارد به نام از وری آن زن‌ها.

شیلایا پیرکت در ۱۹۶۹ در بیروت به دنیا آمد، دیپلمه آکادمی هنرهای زیبای بیروت (۱۹۹۲) و FEMIS پاریس (۱۹۹۴) است. این خانم فیلمساز برای پایان تحصیلاتش فیلمی ساخته است به نام میرو Miro.

رانیا استقمان، متولد ۱۹۶۰. این خانم نیز در بخش سینمایی دانشگاه ونسن به تحصیل پرداخت و چند فیلم مستند کوتاه ساخت، از جمله زمزمه نسیم.

الیان راهب متولد ۱۹۷۲ در لبنان سینما را در انستیتوی تحقیقات سمعی بصری بیروت فراگرفت و فیلم‌های کوتاهی ساخت مثل عبور در ۱۹۹۴، ملاقات در ۱۹۹۶ و آخرین سانس در ۱۹۹۵.

دیما الجودی، متولد سال ۱۹۶۹ در

○ امروزه بی‌شمار کشور لائیک یک زن کارگردان دیده می‌شود که نیروی بالقوه انسانی و رقابت بیشتری را فویید می‌دهد.

ساخته شد و عاشورا که در سال ۱۹۸۷ کار شد. آخرین فیلمش: لبنان رویهمرفته که در سال ۱۹۹۴ ساخته شد موزائیکی است از تصاویر زنان نسل‌های مختلف لبنانی.

موناها توم متولد سال ۱۹۵۲. این بانو از کالج اونیورسیتی بیروت در سال ۱۹۷۲ و از مدرسه هنری لندن در سال ۱۹۸۱ فارغ التحصیل شده است. این بانوی هنرمند هم به تدریس می‌پردازد و هم فیلم مستند می‌سازد: چشم‌های پوشیده در ۱۹۸۸ و اندازه‌های فاصله.

الدا خانامیریان در سال ۱۹۶۴ در بیروت به دنیا آمد. سینما را در بوستون (آمریکا) فراگرفت و رپرناژهایی در لبنان و انگلستان تهیه کرد.

تانیا ریزک Tania Rizk در پاریس به تحصیل سینما پرداخت و پس از بازگشت به لبنان در تلویزیون به عنوان دستیار مشغول به کار شد و سپس به تهیه برنامه‌های فرهنگی و فیلم‌های مستند پرداخت. تانیا همچنین به عنوان خبرنگار در شورای کلیسای شرق میانه کار کرد. حالا در دانشگاه کارگردانی و تحلیل فیلم درس می‌دهد و کار ویدیو می‌کند.

۱-۳- فلسطین

در این منطقه تقریباً ناآرام جهان عرب بی‌اختیار به یادهای مصری Mai El-Misri می‌افتد، نامی پیوند خورده با نام ژان خلیل شمعون، یارش در زندگی و یاورش در کار. این دو به اتفاق یکدیگر فیلم‌های زیادی ساختند. این بانو در سال ۱۹۵۹ به دنیا آمد، از دانشگاه سان فرانسیسکو (بخش سینمایی) فارغ التحصیل شد و روی مضمون جنگ لبنان کار کرد. زیر آوار (۱۹۸۳)، زنان جنوب لبنان (۱۹۸۶)، بیروت، نسل جنگ (۱۹۸۸)، بچه‌های آتش (۱۹۹۰) توفان زمانه (۱۹۹۴) فیلمی نیز به تهنایی ساخته است به نام: هانان اشتراوی، زن زمانه اش (۱۹۹۵) که در اصل تصویر ناسیونالیست مشهور ۴۷ ساله فلسطین است که می‌کوشد کارش را با زندگی خانوادگی و

بیروت و فارغ التحصیل مدرسه سینمایی بروکسل (رشته تدوین) این کارگردان چندین فیلم مستند ساخته است.

اولگانتاش متولد سال ۱۹۵۳ در ترکیه. این بانوی خبرنگار و تهیه‌کننده به اخذ فوق لیسانس زبان‌شناسی و دکترای ادبیات انگلیسی و عربی نایل آمده است. از او دو فیلم مستند کوتاه در دست است به نام‌های: سعیده که در سال ۱۹۸۶



مسئولیت‌های سیاسی‌اش را با وظایف زنی نویسنده به گونه‌ای آشتی دهد. **مای المصری** ظاهراً تنها کارگردان زن مطرح سینمای فلسطین به شمار می‌رود.

۱-۴- تونس

به نظر می‌رسد که در آفریقای شمالی تونس از نظر تولیدات سینمایی از دیگر کشورها فعالیت بیشتری باشد. در این کشور چندین زن به عنوان کارگردان مطرح گشتند و کارهای خوبی ارائه دادند، کسانی چون **نجیه بن مبروک** و **مفیده تلاتلی**. باید اذعان کرد که زن حرفه‌ای سینمای تونس در کارش به عنوان کارگردان موفق شد و هرچا که فیلم‌هایش را به نمایش گذاشت جایزه برد و تشویق شد. اما پس از ساختن نخستین فیلم بلند تونسی ده سال طول کشید تا زنی بتواند به عنوان کارگردان کارش را در ۱۹۷۵ آغاز کند. در این سال است که **سلما بکار** نخستین فیلمش را به نام **فاطمه ساخت و سپس نجیه بن مبروک** در ۱۹۸۵ **ردیا** را کارگردانی کرد و پس از آن **مفیده تلاتلی** در ۱۹۹۴ توانست سکوت کاخ‌ها را به پایان برساند. در این بین چند بانوی هنرمند دیگر نیز به طور حرفه‌ای به مستندسازی پرداختند، کسانی چون **نادیا فانی** و **کلتوم بورناز**. **سلما بکار** که به عنوان پیشگام در امر فیلمسازی زنان شناخته می‌شود به صورت غیر حرفه‌ای به هنر هفتم پیوست و با فیلم کوتاهی به نام **بیداری** (۱۹۶۸)، خود را مطرح ساخت. در سال‌های ۷۰ عضو اتحادیه سینماگران آماتور تونس گردید و پس از تحصیل در مدرسه سینمایی پاریس (رشته کارگردانی) به طور حرفه‌ای به کار پرداخت. **سلما** به عنوان کارگردان در تلویزیون تونس به کار پرداخت و فیلم نیمه بلندش به نام **فاطمه** در سال ۱۹۷۶ در فستیوال مانهایم جایزه برد. سالی که او فیلم نیمه بلند دیگری ساخت به نام **مانکن سلما بکار** سپس کارش را به عنوان دستیار کارگردان مدیر برنامه و مدیر تولید دنبال کرد. در سال ۱۹۸۵ بار دیگر به کارگردانی بازگشت و فیلم کوتاه

○ **فیلم‌های شمالی، تونسی**
از نظر تولید سینمایی از دیگر کشورهای فعال‌تر است.

علی اوکبی پرداخت. آخرین فیلمش که **دومیر**، فیلم بلندش نیز هست زندگی با شکوه یکی از خوانندگان تونس را متعکس می‌سازد.

نجیه بن مبروک، فارغ‌التحصیل مدرسه سینمایی **INSAS**، در سال‌های ۸۰ با فیلم ساده‌ای به نام **ردیا** وارد سینما شد. این فیلم ماجرای دختر جوان مبارزی است که در محیطی کارگری در جنوب کشور به دنیا آمده و تصمیم می‌گیرد تحصیلاتش را در پایتخت کشور به دور از خانواده دنبال کند. **نجیه** در سال ۱۹۹۲ به همراه چند کارگردان دیگر، از جمله **برهان آل‌وثیه** و **نوری بوزید** فیلم **جنگ خلیج و بعد؟** را ساخت.

کلتوم بورناز در تونس به دنیا آمد. لیسانس ادبیات انگلیسی و فارغ‌التحصیل مدرسه ایدک پاریس است (سال ۱۹۶۹)، رشته **مونتاز و فیلمنامه‌نویسی**. این بانوی کارگردان فیلم‌های کوتاهی ساخت به نام‌های: **سه شخصیت در جستجوی تانتر** (۱۹۸۸)، **نگاه مرغ دریایی** (۱۹۹۱)، **حساسیت اهدای خون** (۱۹۹۲)، **مرد طلایی** (۱۹۹۳) **موسیقی در اوج هیجان** (۱۹۹۴) و **شب عروسی در تونس** (۱۹۹۶).

مفیده تلاتلی، این بانو که حرفه‌اش **مونتوری** است با فیلم **سکوت کاخ‌ها** به گونه‌ای با شکوه وارد سینما شد، چون این فیلم چندین جایزه نصیبش ساخت. **مفیده** در سیدی بوسعید به دنیا آمد، در سال ۱۹۶۸ از مدرسه سینمایی ایدک پاریس فارغ‌التحصیل شد. نخست در **تلویزیون پاریس**، از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲، به کار فیلمنامه‌نویسی و مدیریت تولید پرداخت. سپس به عنوان **مونتور روی** چند فیلم کار کرد. از جمله فیلم **عمر گاتلاتو** ساخته **فیلمساز الجزایری مرزا آکواش**، **نحله** ساخته **کارگردان تونسی فاروغ بلوفا**، **خاطره پربار** ساخته **کارگردان فلسطینی میشل خلیفی**، **سایه زمین** ساخته هم **وطنش تائب لوهیشی** و فیلم‌های دیگر. **نادیا الفانی** متولد ۱۹۶۰. این بانو راه کارگردانی را با **تانی پیمود**. برای **لدت** فیلم کوتاهی که در سال



موهای طلایی و فیلم **نیمه بلند در سرزمین تارایون** ساخت و در فیلم **نوری بوزید**، به نام **مرد خاکسترها** به عنوان دستیار به کار پرداخت. این بانو حال به عنوان مدیر شرکتی که خود تأسیس کرده است به کار ساختن فیلم تبلیغاتی و فیلم‌های سفارشی مشغول است. بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲ به تولید فیلم **نگاه مرغ دریایی** **کلتوم بورناز** و **افراد عجیب موج محمد**

○ انستیتوی سینمای قاهره
نقش عمده ای در تعلیم زنان
کارگردان داشته است.

۱۹۹۰ ساخته شد باعث شهرت نادیا گردید. این بانوی فیلمساز قبلاً در بیش از دوازده فیلم دستیار کارگردانان صاحب نامی چون فرانکو زفیرلی، نوری بوزید و رومان پولانسکی. پنجاه پنجاه عشق من فیلم کوتاه دیگری است از این فیلمساز و پس از آن در ۱۹۹۲ فیلم کوتاه دیگری از او به نمایش در آمد. در تمام فیلمهای این فیلمساز چیز غیر متعارفی مشاهده می شود، یعنی او تمام مسایل را در ارتباط با زن مطرح می سازد و همین باعث شده است تا این کارگردان در صف مقدم جریان سینمای تونس قرار بگیرد.

در تونس نام های دیگری نیز در سینما وجود دارد. در تلویزیون هم زنان بسیاری به کار مشغولند، مثل فاطمه اسکندرانی سازنده فیلم کوتاه ویدیویی مدینه، خاطره من در ۱۹۸۶. منیره بهار، کارگردان دو فیلم کوتاه، که نقدهایی هستند بر زندگی مدرن. از نادیا فارس نیز باید یاد کنیم که فیلمش عسل و خاک در آخرین فستیوال مونپلیه جایزه برد و همچنین از نجوا تللیلی که فیلمش به نام میراث در ۱۹۹۴ برنده جایزه شد.

۱- ۵- الجزیره

زن در الجزیره به دلیل نابسامانی های سینما به خاطر بحران کشور و بی ثباتی سیاسی و اقتصادی - اجتماعی نتوانست به عنوان کارگردان در هنر هفتم موفقیت های چشمگیری کسب کند. با اینهمه سینمای الجزیره به دلیل فیلم های با شکوهی که پس از جنگ استقلال ساخته شد و مضامین شان آزادی و استعمار فرانسه بودند، آینده خوبی را نوید می داد.

زن در سینمای این کشور فعالیتی نداشت و نخستین زنی که وارد این عرصه گردید بی شک نویسنده معروف آسیه جبار است.

این بانوی نویسنده در فیلمی به نام جشن زنان جبل شانوا (۱۹۷۷)، نقش زنان را در جنگ رهایی بخش نشان می دهد. آسیه جبار در ۱۹۷۶ وارد تلویزیون شد و به استفاده از ابزار سمعی بصری پرداخت. این بانو شاعر و



نمایشنامه نویس نیز هست و فیلم های مستندی درباره قوم نگاری با استفاده از خاطرات زمان استعمار زنان الجزیره ساخته است.

فاطمه زهره زنون در ۱۹۶۷ در الجزایر به دنیا آمد. در الجزیره به تحصیل هنرهای زیبا پرداخت و سپس در سور بن پاریس تاریخ هنر آموخت. این بانو که نقاش نیز هست دو فیلم کوتاه ویدیویی

ساخت به نام های میراث در ۱۹۹۱ و دانه های برف در ۱۹۹۳.

جمیله سامر اویسی Jamila Sahraoui، متولد الجزیره. این بانو پس از تحصیلات ادبیات در دانشگاه الجزیره در سال ۱۹۷۵ وارد مدرسه سینمایی ایدک پاریس شد و پس از اتمام تحصیل در این مدرسه هنری نخستین فیلم کوتاهش را به نام حوریه ساخت. پس از آن دو فیلم مستند ساخت به نام های: ۲۰۰۰ سال در اورس Aures و نام، ماریان.

حفظه زینانی کودیل با فیلم شیطان زن و نادیا عبیدی فهرست زنان سینماگر الجزیره را تکمیل می کنند.

۱- ۶- مراکش.

موقعیت سینما در مراکش از دیگر کشورهای عربی بهتر نیست. تولیدات ملی هنوز به ثبات کافی دست نیافته اند. کوشش هایی که در این زمینه انجام می پذیرد اغلب محصول مشترک است با کشورهای بیگانه به ویژه کشور فرانسه. با اینهمه چهار زن توانستند در این کشور از راههایی کاملاً متفاوت به سینما راه بیابند.

پدر سابقه تیرینشان اینفرا ژنیسی است که بانویی است کلیمی - این بانو در ۱۹۴۲ در اولاد مومن Oulad Moumen. مراکش به دنیا آمد و حال مدیر شرکت تولید و پخش فیلم است و در پاریس اقامت دارد. این بانو سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۲ مجموعه ای فیلم مستند به نام مراکش، جسم و روح تولید و کارگردانی کرد که یازده فیلم را شامل می شود. در ۱۹۹۴ فیلمی ساخت به نام باز یافتن اولاد مومن، فیلمی مستند درباره خانواده اش که ریشه در جنوب مراکش دارند. اینفرا کتابی نیز درباره مراکش نوشته است.

فریده بن الیزید. این بانوی اهل طنجه در ۱۹۴۲ به دنیا آمد و پس از گرفتن لیسانس در رشته ادبیات مدرن در ۱۹۷۴، به پاریس رفت و در ۱۹۷۵ در مدرسه عالی سینما به تحصیل پرداخت

○ جنگ داخلی لبنان عمیقاً بر سینمای این کشور تأثیر نهاده است.

منصور نام برد. در اردن تقریباً زنی در عرصه سینما وجود ندارد. این مسئله بیشتر به موقعیت تولید فیلم در این کشورها بستگی دارد. زن نخست باید احترام همکاران و اطرافیانش را جلب کند و سپس تهیه کنندگان احتمالی را قانع سازد تا برای فیلم هایی که می خواهد بسازد، و اغلب هم جدی گرفته نمی شوند، سرمایه گذاری کنند و این کار ساده ای نیست.

۲- زنان افریقایی پشت دوربین
موقعیت سینما در افریقا احتمالاً مشابه به موقعیت سینما در کشورهای عربی است و شاید مشابه بیشتر کشورهای جهان سوم. اما در این قاره مشکلات حادثتر است و همین باعث می شود تا زنان نتوانند به عنوان کارگردان پا به این عرصه بگذارند، هرچند گاه دیده می شود که به عنوان تکنسین در سینما فعالیت دارند.

اما با گذشت زمان و آزادی یافتن نسبی زنان چند زنی توانستند پشت دوربین قرار بگیرند. امروز لااقل در هر کشور زن کارگردانی دیده می شود. البته نیروی بالقوه انسانی رقابت بیشتری را نوید می دهد.

کارگردانی افریقایی گفته است که «حضور زن به عنوان کارگردان در سینمای افریقا نتیجه ای بیش از انتظار و غیر منتظره خواهد داشت و شاید عده ای وحشت کنند که ممکن است ناراحتشان سازد.»

۲-۱- بوركينا فاسو

بوركينا فاسو، این کشور کوچک فقیر به علت کیفیت والای فیلمهایش ممتاز گشت چون بسیاری از فیلم های ساخت این کشور جوایز بین المللی را ربود. تشویق ها و پی گیری فیلم سازان این کشور باعث به وجود آمدن فستیوال سینمایی او آگادوگو Ouagadougou گردید. این فستیوال قاره ای هر دو سال یکبار برگزار می شود و در سالی که برگزار نمی گردد فستیوال تونس جریان دارد. فستیوال او آگادوگو فیلم های افریقایی و ویژگی های



۱-۷- کشورهای دیگر جهان عرب
در کشورهای دیگر جهان عرب تولید فیلم هنوز آنچنان که باید گسترش نیافته است. با اینهمه حضور زنان همانند فلسطین، تونس، الجزیره و مراکش چشمگیر است. اما در بعضی از کشورهای عربی زنان فعالیت چندانی در این زمینه ندارند، با اینهمه در سوریه می توان از نیایلا الاطرش و در عراق از خیره

و همزمان به کارآموزی نیز مشغول شد. او در ۱۹۷۹ به عنوان فیلمنامه نویس فیلم بلند جلالی فرهاتی به نام عروسک های نيزار کارش را آغاز کرد و همان سال فیلم کوتاهی برای شبکه FR3 تلویزیون فرانسه به نام هویت های زنان ساخت. این بانو در فیلمنامه هایش استادانه از تکنیک استفاده می کند. او نخستین فیلم بلندش را به نام درگشوده به سوی آسمان خود نوشت و کارگردانی کرد، (۱۹۸۷)، برای صدمین سالگرد سینما این بانوی هنرمند به همراه دیگر کارگردانان فیلمی ساخت که از پنج قسمت کوتاه تشکیل می شود. فیلم او در این مجموعه تراس نام دارد (۱۹۹۵). این کارگردان فعلاً سرگرم آماده کردن دومین فیلم بلند سینمایی خویش است به نام طنجد یا لالیا *Tanjah ya lalia*.

اما سینمای مراکش امتیازی دارد و آن نسل جوان سینماگران است که فستیوال ملی فیلم مراکش را که در دسامبر سال ۱۹۹۵ سازمان یافت، آنها را مطرح ساخت. این حرفه ای های جدید در اروپا تعلیم گرفتند و در بین شان زنان نیز دیده می شوند.

مریم بکیر Meriem Bakir، متولد ۱۹۶۸، تحصیلات عالییه اش را در کنسرواتوار آزاد سینمای فرانسه گذراند و به اخذ دیپلم کارگردانی نایل آمد. این بانو در چندین فیلم کوتاه و بلند به عنوان فیلمنامه نویس، دستیار فیلمبردار و دستیار کارگردان کار کرد. نخستین کار سینمایی مستقلش فردا فیلمبرداری می کنیم نام دارد که در ۱۹۹۳ ساخته شد.

یاسمین کسباری در سال ۱۹۶۸ در مراکش به دنیا آمد. در بلژیک به تحصیل سینما پرداخت (رشته کارگردانی)، فیلم پایان تحصیلش ماهوت سیاه نام دارد که در سال ۱۹۹۵ ساخته شد. دومین فیلم کوتاهش سگهای ولگرد نام دارد که در چند فستیوال شرکت کرد و برنده جایزه شد.

در کارگردانی تلویزیون نیز این نسل جوان حضور دارد، کسانی چون فاطمه ابوشان و فوزیه زین الدین.

مضامینی و زیبا شناسی آنها را به نمایش می گذارد.

رژینا فاننا ناکرو Regina Fanta Nacro در سال ۱۹۸۶ لیسانس علوم و تکنیک های سمعی و بصری گرفت و سپس در زمینه تحقیقات سینمایی و سمعی بصری فوق لیسانس گرفت و پس از آن در سال ۱۹۹۰ به اخذ درجه دکتری از زیباشناسی و علوم و تکنولوژی هنرها نایل آمد. رژینا در فیلمنامه نویسی و مونتاژ نیز تجربه دارد و در فیلم های زیادی کار کرده است.

رژینا با فیلم *یکروز صبح*، فیلم های داستانی ویدئویی را ترک کرد و به سینمای حرفه ای پیوست. او در پاسخ خبرنگارانی که کنجکاو بودند بدانند چرا کارگردانی را انتخاب کرده است گفت: «من فمینیست نیستم. در این اثر خواستم از رنگ زنانه استفاده کرده باشم تا ثابت کنم که زن آفریقایی، زنان آفریقایی، می توانند فیلم بسازند. ما باید در عرصه سمعی بصری که کار در آن برای مردان نیز دشوار است، مبارزه کنیم تا بتوانیم کار کنیم و استعدادهای خود را نشان دهیم.»

لانسینا اودراوگو Lancina Ouedraogo فارغ التحصیل علوم و تکنیک های سمعی بصری است در رشته فیلم های کارتونی فرهنگی و اجتماعی. در سال ۱۹۸۹ این کارگردان فیلم رقیب را ساخت و از ۱۹۹۱ روی مجموعه ای مستند به نام *زنان و محیط اطراف* کار می کند. فیلم های این مجموعه عبارتند از جشن برداشت محصول (۱۹۹۱) و حمایت از بهره برداری منابع طبیعی (۱۹۹۲).

سلیا سوادو Celia Swadogo در سال ۱۹۶۵ در کشور آلمان به دنیا آمد. دوران نوجوانیش را در بورکینافاسو گذراند و سپس برای تحصیل ادبیات به کشور کانادا رفت و در آنجا به سینما تمایل پیدا کرد و در سال ۱۹۸۹ تحصیلات تخصصی اش را در ساخت فیلم های کارتونی به پایان رسانید. نخستین فیلم این کارگردان زن سه شوهر نام دارد. او در این فیلم از حق انتخاب

○ تصادفی نیست که نخستین زنی که پیشرفت دوربینی قوا را گرفت، آمریکایی بود.

Yaounde فارغ التحصیل شد و کارگردان تلویزیون است. درباره حرفه اش، که به آن عشق می ورزد، می گوید: «خیلی زود دریافتم که تصویر، تصویری که توسط زن ساخته شود، می تواند تابوها را از میان بردارد و زن را تشویق کند تا مسئولیت پذیر باشد.»

مارگارت مجموعه ای فیلم مستند درباره زنان شاغل ساخته است «مکانیک، نقاش، قصاب، پمپ بنزینی... و غیره.» بلوندین نگونو آمباسا لیسانس ادبیات است. او سپس در سوربن پاریس به تحصیل سینما پرداخت و حال در مرکز مدیریت ملی سینما کار می کند. این بانوی کارگردان فیلمهای مستند کوتاهی برای تلویزیون ساخت. نخستین فیلمهایش که مضامینی اجتماعی داشتند در سال ۱۹۸۹ به نمایش درآمدند. نخستین فیلم بلندش *مقام کشیشی* نام دارد. دومین فیلم بلندش که در فستیوال مونترال در سال ۱۹۹۱ در زمینه «مناظر آفریقا» به نمایش درآمد جایزه ای بین المللی نصیب این کارگردان ساخت. این فیلم از نظر کیفیت، چه تکنیکی و چه زیباشناختی، در سطح والایی قرار دارد.

۲-۳- مالی

«من تصادفی وارد سینما شدم و تحصیلات سینمایی هم ندارم. دیدن فیلم *آمرک* ساخته سهیل بن بار کای مرا کشی باعث شد تا به سینما علاقمند بشوم.» این سخنان کادیاتو کوناته است. با اینهمه این بانویی که خود را در سینما تازه وارد می داند توانست توجه بزرگ فیلمسازان مالی، سلیمان سیه را جلب کند و در گروهش در فیلم *باد* به عنوان نماینده تولید در سال ۱۹۸۵ کار کند. پس از این کار توانست بورس برای تحصیل در پاریس به دست آورد و به تحصیل تولید و مونتاژ بپردازد. پس از پایان تحصیلات در فیلم *گاستون کابوره* به نام *زان بوگو* و در فیلم *مامبسی کولی بالی* به نام *حرکت سگو* کار کرد. این بانو بعد از این تجربیات به ساخت مجموعه ای فیلم کارتونی پرداخت که

شوهر توسط زن دفاع می کند. این بانوی کارگردان مقیم مونترال است و شرکت فیلمسازی خود را تأسیس کرده است و فیلم های کارتونی می سازد. در ۱۹۹۳ فیلم مستندی ساخت به نام تولد.

۲-۲- کامرون

مارگارت قومبه فوبه در سال ۱۹۶۸ از مرکز تعلیمات اطلاعات یا اونده



نخستین آنها کودک وحشتناک نام دارد.

۲-۲- نیجریه

ماریاما هیما در پاریس در رشته های مردم شناسی و سینما فارغ التحصیل شد. از او درباره قوم شناسی دو فیلم کوتاه در دست است که در چندین فستیوال به اخذ جایزه نایل آمدند.

۲-۵- توگو

آن لور فولی حقوقدان و نویسنده است. نخستین فیلمش نگاهبانان قدرت نام دارد و پس از آن فیلم مستندی ساخته است به نام زنانی با چشمان باز.

۲-۶- آفریقای جنوبی

سیپاتی بولان - هولاد در سال ۱۹۵۷ در یوهانسبورگ به دنیا آمد. در سال ۱۹۷۷ فارغ التحصیل شد و در رشته زمین شناسی در دانشگاه ویتز Wits به عنوان دستیار به کار پرداخت. او سپس به سینما روی آورد و نخستین زن آفریقای جنوبی محسوب می شود که پا به عرصه سینما و ویدیو نهاده است.

۲-۷- زیمبابوه

اینگرید سینکلر در ۱۹۴۸ به دنیا آمد، در انگلستان به تحصیل پزشکی پرداخت، در سالهای ۸۰ به عنوان گرداننده و عضو شرکت تعاونی فیلمسازان بریتون جذب سینما شد. نخستین فیلم مستندش را به نام شهر شاهان در سال ۱۹۸۰ درباره جنوب شرقی آفریقا ساخت. در ۱۹۸۸ به زیمبابوه بازگشت و با سیمون برایت شرکتی برای تولید فیلم تأسیس کرد. فیلم هایش عبارتند از: هاریت ویز (۱۹۸۳) مادران فراموش نمی کنند (۱۹۸۶)، بیدار شو (۱۹۸۹)، و پرنده ای از جهان دیگر (۱۹۹۲).

۲-۸- در کشورهای دیگر آفریقا در این قاره نام کارگردان دیگری از اهالی زیمبابوه برده می شود: فارایی سون زو. کارگردانی که در بوروندی

○ زن علیه تصویرگری که از او در رسانه های سمعی بصری به وجود آورده اند، سیو پیه شورش پرده اشیت.

است که به چند فیلمش اشاره می کنیم: شوهر زن گدا، با هم می سازیم، ایمان و سایی کاتی (۱۹۹۲).

ثریا میر از اهالی سومالی فیلمی دارد به نام چشمان آتش گرفته.

به این فهرست می توان نام چندین زن آفریقایی دیگر را که در کشورهای مختلف جهان در زمینه سینما و سمعی بصری کار می کنند افزود. لازم به یادآوری نیست که از نظر حرفه ای شرایط کاری این زنان هنرمند با زنان سینماگری که در آفریقا کار می کنند کاملاً متفاوت است. تعداد این زنان در آمریکا زیاد است مثل میشل پارکنون، کیت ساندلر، پاتریشیا خیام و آنی ویلیامز. در انگلستان نام مورین بلاک وود زیاد شنیده می شود. زنان سینماگر آفریقایی در کانادا نیز حضور دارند.

حساسیت خاص تازه آفریقا که در فیلمهای زنان سینماگری که در کشورهای مختلف زندگی می کنند دیده می شود نشانه ای است از نوستالژی اصلیت آفریقایی و نوعی اعاده حیثیت برای سینمای به اصطلاح «سیاه».

۳- فستیوال ها، چارچوبی حرفه ای برای زنان سینماگر

حقیقتی است که فستیوال های ملی و بین المللی نقشی بسیار مهم در معرفی زنان کارگردان و مطرح ساختن آثارشان دارد. چون پخش کنندگان در بیشتر موارد فیلم های تجارتنی را به اینگونه فیلم ها ترجیح می دهند. این گردهمایی های فرهنگی هنری موقعیت های نادری هستند که آدمی بتواند فیلم هایی را که سالن های تجارتنی نمایش می دهند تماشا کنند و نواخستانان هنر هفتم را بشناسد. علاقه سازمان دهندگان فستیوال ها به سینمای زنان از نام هایی که به آن داده اند مشخص می شود. نام هایی چون: «نگاهی به سینمای زنان.» یا «فیلمهای زنان» به خصوص در فستیوال های FESPACO (بورکینا فاسو)، JCC (تونس) و مونترال کانادا.

فستیوال پان آفریکن سینمای

شهرت دارد دنیز موکوگو است که فیلمی ساخته است به نام فرشتگان در دوزخ (۱۹۹۱). آدل جدجه اهل ساحل عاج است و مجموعه ای درباره روستا و روستائیان ساخته است. و انجینو کینیا نجویی، از اهالی یکنیا فیلمی ساخته است به نام جنگ درخت مقدس. کارگردان دیگری از این مملکت آن مونکایی، متولد ۱۹۵۷، فیلم های زیادی ساخته



اواگودوگو، فسپاکو، (بورکینافاسو) به عنوان مهمترین وعده گاه سینمای آفریقا به شمار می رود و این حقیقتی است که در تمام جهان پذیرفته شده است. در دوازدهمین فستیوال که در سال ۱۹۹۱ برگزار گردید تعداد زنان کارگردانی که در گردهمایی سینمایی زنان آفریقایی شرکت کرده بودند چشمگیر بود و نخستین کارگاه نیز در این زمینه برگزار شد و در مورد مسایلی که تصور می رفت اساسی باشد پیشنهاداتی مطرح گشت:

- تهیه فهرستی از آثار زنان سینماگر آفریقا

- به وجود آمدن کارگاهی سیار برای تعلیم

- امکان مشارکت منظم زنان در فستیوال ها

فستیوال بین المللی سینمای قاهره (مصر) هم به فیلم های بانوان توجه پیدا کرد. در سیزدهمین فستیوال قاهره (۱۹۸۹) شاهد بخشی بودیم به نام سینمای زنان. در این بخش یازده سینماگر از کشورهای مختلف شرکت داشتند و چک وراکلیتووا Vera Chlitova که با سه فیلم با نام های یک ضربه اینجا، یک ضربه آنجا، بازی سبب و فاجعه در این فستیوال شرکت کرده بود که مورد ستایش قرار گرفت. ورا در فیلم هایش به شرایط زنان، رهایی آنان و مشکلات ارتباط نسل ها می پردازد. شرکت این بانوی فیلمساز در فستیوال، که آثارش پس از بهار پراک در کشورش سال ها سانسور می شد، برایش نوعی اعاده حیثیت به حساب می آمد.

در این فستیوال هنرمندان دیگری نیز شرکت داشتند: آنتونیا کاتچیا Antonia Katchia از انگلستان فیلمش را که صدای غزه نام داشت به نمایش گذاشت. در این فیلم از شهادت فلسطینی ها در طول انتفاضه پرده برداشته می شود. از کشور روسیه لاناژوژو Lana-Jojo مدیره اتحادیه سینماگران زن شرکت کرد و فیلمش را به نام هرج و مرج به نمایش گذاشت. در این فیلم بانوی هنرمند از خود می پرسد از چه راهی

○ زن علییرغم خطرات، به میدان سینما قدم گذاشت و توانست از این راه پیام زنان را به گوش همگان برساند.

مسئله رهایی از خاطرات گذشته و عقده مجرمیت را مطرح ساخت. آنادیاز از اسپانیا در فیلم آندره ویل داستان دو دوست را بیان می کند که یکی دزد است و دیگری قاتل. نیسان آکمان از ترکیه و پاتریسیا میراویل Patricia Miraville از سوئیس هم در فستیوال حضور داشتند. اولی با فیلمی به نام بعد از دیروز و پیش از فردا و دومی با فیلمی به نام جستجوی خط گرینویچ. علاوه بر اینها زنان سینماگر مصری نیز فیلم هایشان را در این فستیوال به نمایش گذاشتند. فیلمسازانی چون: انیس قیدی Ines Dghidi و آلوویا زاکی. این فستیوال همچنین امکان داد تا میزگردی درباره سینما «به عنوان وسیله بیان زنان» تشکیل شود.

۴- بحث ها: نمونه های مانهایم - ۹۰ و JCC - ۹۲

در سال ۱۹۹۰ در مانهایم میزگردی درباره موقعیت سینماگران زن در سه قاره، در چارچوب هفته بین المللی فیلم تشکیل شد. برای شرکت در این میزگرد سازمان دهندگان از زنان کارگردان و تهیه کننده دعوت به عمل آوردند. هدف این سمینار مشارکت بود در ایجاد گفتگوی فرهنگی بین کشورهای شمال و جنوب و نیز ممکن گردانیدن پیدایش هویتی فرهنگی به وسیله رسانه فیلم. بحث ها و شهادت ها نشان داد که صنعت فیلمسازی در کشورهای جهان سوم به دلیل رقابت های تجارتنی، به خصوص از جانب آمریکا، متزلزل و بی ثبات است و در این زمینه، تأکید شد که موقعیت زنان دشوارتر است چون در جوامع خود به طور سنتی به عنوان فرهنگ ساز شناخته شده نیستند و معمولاً زن و کارگردانی دو مفهوم متفاوت هستند، دو مفهومی که مردان حاضر نیستند باهم جمع کنند و همین توجیهی است بر اندک بودن تعداد کارگردان زن در این بخش از جهان.

سمینار نتیجه دلگرم کننده ای نیز به همراه داشت چون علیرغم همه مقاومت ها و مشکلات، تمامی شرکت



می تواند رؤیایش را تحقق بخشد و به خوشبختی دست یابد و اجازه ندهد که رؤیا و خوشبختی را از او برابند. بانوی سینماگر ایتالیا فرانسیسکا آرچیلووا Francisca Arccilova با فیلمی به نام مرگ میگون (Migon) در فستیوال حضور یافت، فیلمی درباره طبقات اجتماع از نگاه خانواده ای فقیر. ژانین میراویل آلمانی نیز با فیلمی به نام روزهای خاطره

کنندگان حضور فیلمهایی را که توسط زنان ساخته می شود پذیرفتند.

بیست زن که همه آنان به طور حرفه ای در رسانه های سمعی بصری کار می کردند - سینماگر، تکنسین و یا مدرس و محقق علوم سینمایی - در مانهایم گرد هم آمده بودند تا سخن بگویند.

مونیکا واسکز به عنوان کارگردان زن از کشور اکوادور در این جمع حضور داشت. او پس از تحصیل علوم ارتباطات با عنوان ناقد فیلم کارش را آغاز کرد، سپس دستیار کارگردان شد و سرانجام توانست در سال ۱۹۸۲ نخستین فیلم مستند خود را بسازد و از آن پس هر سال یک فیلم از این بانوی فیلمساز می بینیم و اگر موقعیت بخش سینما را در این کشور در نظر بگیریم در می یابیم که کار دشواری را انجام می دهد چون در این کشور تنها سه زن کارگردان وجود دارد و دیگر زنانی که در کار فیلم هستند به کارهای جنبی اشتغال دارند، کارهایی چون فیلمنامه نویسی، صداپردازی، مونتاژ...

مهمان دیگر این جمع مرسدس رامیرز بود از کشور کاستاریکا. این بانو به تصادف وارد سینما شد. او پس از تجربیاتی چند تصمیم گرفت در آکادمی فیلم و تلویزیون آلمان، در برلن، تحصیل کند تا بتواند به طور حرفه ای کار کند.

سوزانا آمارال، اهل برزیل، از نخستین دانشجویانی است که بخش فیلم دانشگاه سن پائولو به تحصیل پرداخت. او پس از خاتمه تحصیلات به مدت ۱۴ سال در تلویزیون دولتی برزیل به کار پرداخت. سپس به نیویورک (آمریکا) رفت و در رشته کارگردانی به مطالعه پرداخت. این بانوی فیلمساز تاکنون بیش از پنجاه فیلم مستند ساخته است.

در تونس، در فستیوال سال ۱۹۹۲

(زیمبابوه).

شرکت کنندگان درباره چندین مشکل ذاتی تولید فیلم توسط زنان به بحث نشستند. نتیجه بحث به پیشنهاداتی چند انجامید که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

- توسعه اتحادیه های زنان سینماگر کشورهای جنوب.

- ایجاد فهرست فیلمهای زنان سینماگر کشورهای جنوب

- تقویت کارگاه هایی برای سینمای زنان و قراردادادن لوازم لازم در اختیار زنان.

- پخش تولیدات سینمایی زنان و تبلیغ درباره آنها.

منابع:

«سینما در جهان عرب» به زبان عربی.

نویسنده منتقد اهل سوریه ژان آلکان (چاپ کویت ۱۹۸۲)

«سینمای مستند در مصر و کشورهای عربی» به زبان عربی. نویسنده مونا سعید آل حدیدی (قاهره ۱۹۸۳)

- «نگاهی به سینمای جهان معاصر: آسیا، آفریقا و کشورهای عربی» به زبان عربی. نویسنده جعفر هانری آزار (بیروت ۱۹۸۷)

- «کاتالوگ ۲. فستیوال سینمای آفریقا» (میلان، ۱۹۹۲)

- «مناظر آفریقا». روزهای سینمای آفریقا و کشورهای مستعمره (مونترال ۱۹۹۲)

- «کاتالوگ JCC» (تونس ۱۹۹۲)

- «کاتالوگ ۳». بنیال سینماهای عرب (پاریس ۱۹۹۶)

- «شهرزاد» مجله ماهانه عرب زبان چاپ لیماسول (قبرس) شماره ۱۷، ژانویه ۱۹۹۰

- «اکران های آفریقا» فصلنامه چاپ میلان (ایتالیا) شماره یک، ۱۹۹۲، شماره سه، ۱۹۹۳ و شماره هشت ۱۹۹۴.



JCC، سازمان دهندگان روزی را به تحقیق درباره سینمای زنان اختصاص دادند، شرکت کنندگان این سمینار عبارت بودند از نجیه بن مبروک (تونس)، فریده بن الیزید (مراکش)، کریستفیا سوکاب گولد من (مارتینیک) هلما ساندرس پراهمس (آلمان)، آسیه جبار (الجزیره)، سامیه میخائیل (لبنان) و اینگرید سنیکلر